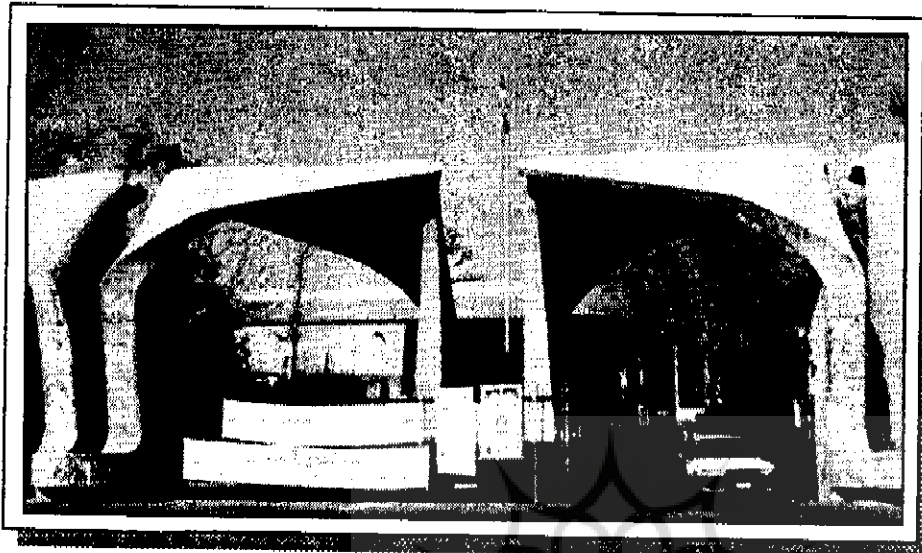


نگاهی به زیر پوسته وقایع دانشگاه و سایر ماجراها

نویسنده دکتر سیدمحمد علی سجادیه



در چند ماهه اخیر شاهد فاجعه یورش به حریم دانشگاه و پیامدهای شومی که متعاقب آن در صحنه اجتماع ما رخ داد، بودیم. در بحبوحه آن رویداد تلخ قلم زدن به تنهایی نمی توانست بسیاری از امور را که مرور زمان ماهیت آنها را بر ملا ساخته، آشکار سازد. اینک که بسیاری از حساسیت ها فروکش کرده بهتر می توان به داوری در این زمینه ها نشست و پرسش هایی را مطرح کرد. از جمله این که چرا در کوی دانشگاه ناآرامی رخ داد و چه انگیزه های باعث شد که گروه هایی به سرکوب دانشجویان اقدام کنند؟ این درست است که دانشجویان در حکم سلول های مغزی یک ملت هستند و مسئولیت خطیری نسبت به مسایل اجتماعی و سیاسی آن دارند، ولی می توان چنین پنداشت که قضیه فقط یک بُعد نداشته و حتماً جریاناتی در کار بوده است تا آن شب سانحه ساز بدان گونه خود را بر صفحه تاریخ تصویر سازد. همچنین می توان چنین تصور کرد که هر راز و حکمت و به تعبیر دیگر اندیشان هر مسأله و فتنه ای در کار بوده، این گردونه شوم را یک سلسله حوادث و ناسامانی های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و امنیتی از قبیل کشتار فجیع پروانه اسکندری و داریوش فروهر و بعضی ارباب قلم و باز به اصطلاح متعارف دگراندیشان، گرانی روزافزون و جانکاه و اعصاب خردکن، محدود بودن آزادی های اجتماعی و فرهنگی، همچنین اختلاف شدید و تسویه حساب در سطوح بالای مملکت داری همه با هم به حرکت در آورده اند؛ بنابراین کشف این که فلان گروه در تحریک دانشجویان مؤثر بوده اند و عده های ساده و خوش نیت را برای چنان حوادثی بسیج کرده اند کشف تنگه مازلان و یا کشف قاره آمریکا به وسیله کریستف کلمب نیست. در جریان هرگونه تنش اجتماعی به حق و ناحق می توان از این گونه کشفیات داشت، ولی اصل قضیه و دردهای گوناگون اجتماع درمان نمی شوند. از سوی دیگر می توان گروه های تازنده به حریم دانشگاه را یک

هستند. حتی قربانی گوسفند در راه ذات اقدس الهی انجام می شود. قربانی انسان در آئین اسلام منسوخ و مطرود است. امید آن که این خیرها فقط در حد شایعات بوده و واقعیت نداشته باشند، زیرا در قرن بیستم این اعمال تکرار بت پرستی و آدم کشی و آدم خواری است.

اما طرح این یکی مسأله هم، دردی دوا نمی کند. حتی تفتیح ماجرا از سوی مقامات بلند پایه دولتی و ابراز تنفر از آن در مطبوعات و یا محافل به سوزاندن ریشه فتنه کمک نمی کند. حق آن است که چاره یابی و وسیع تری برای جلوگیری از تکرار این جریانات انجام شود و افراد ساده و پرحرارت - چه مزدور باشند و چه به میل خود حرکت کنند - ارشاد شوند اسلام این حرفها نبوده و نیست و یادمان باشد عده های آشوبگر و وابسته به جریانات ضد مذهبی و الحادی می خواهند این مسایل را بهانه قرار دهند و عنوان کنند که مذهب یعنی همین! البته برخورد ارشادگرانه و نه با چماق نسبت به این دسته سوم که آنها هم در رده فرزندان و خویشاوندان ما هستند لازم است.

به هر حال قضیه پایان یافت دانشجویان به کلاس ها بازگشتند ظاهراً عده های در بازداشت هستند و خطر اعدام، شماری را تهدید می کند در این موارد از خودگذشتگی - رأفت اسلامی و

عده اخلاکگر - متعصب - ضد فرهنگ و آنارشیست تصویر نمود، اما این کار هم به نوبه خود دردی را دوا نمی کند. درد اصلی این است که چرا دو دسته از فرزندان میهن ما که یکدسته در جایگاه فرهنگی بالاتری قرار داشته اند و دسته دیگر سرشار از حرارت و تصمیم بوده اند به جای این که دست در دست هم نهند و به دشمنان ویرانگر حقیقت و آزادی و اسلام بتازند با هم تسویه حساب کرده اند. از گروه دوم می شود به خصوص سؤال کرد که اگر کسانی هم محرک بوده اند و عده های دانشجو به ساز آنها به حرکت در آمده اند، اگر فرضاً تعطیل روزنامه سلام که خط اسلامی هم داشته و در جهت تضعیف نظام هم حرکت نمی کرد محرک دانشجویان برای برپایی تظاهرات شده گناه رادیو - تلویزیون ها - تخت ها و اسباب زندگی دانشجویان در کوی دانشگاه چه بود، که باید منهدم شوند و یا در آتش بسوزند؟!

مطالبی می شنویم حاکی از این که یورش کنندگان به کوی دانشگاه اسامی مقدس ائمه را ردیف کرده، و هر مضروب و مجروحی را که مورد یورش قرار می دادند به عنوان قربانی به آن دوات مقدس تقدیم می کردند. این خود نشانه ای از بدفهمی متون مقدس است، زیرا ائمه و افراد مقدس تنها بندگان خدای عزوجل

تجلی انسانیت لازم است. اگر به آشتی ملی و محبت اسلامی معتقد باشیم آزاد کردن انسان‌های دربند مسأله‌ای نخواهد بود. درباره کسانی که اتهامی هم دارند و مجازات‌های سنگینی در انتظار آنها است می‌توان با محبت و ارشاد اقدام کرد و اگر وجود آنها برای درون مملکت بدون مخاطره قلمداد نمی‌شود آنها را به منطقه دیگری از دنیا فرستاد و تبعید کرد. عین این سفارش را درباره گروه‌های مسبب تخریب و سرکوبی دانشگاهیان دارم. درست است عناصر دانشگاهی و مخصوصاً خانواده‌های صدمه دیده خواستار عدل و مجازات مجرمین هستند، اما در این باره هم باید علت‌یابی کرد و صرفاً دنبال آرامش خیال و خنک شدن دل خود نبود و دل خوش نکرد که اگر مثلاً این چند لمپن و ویرانگر مجازات و از کار برکنار شوند یا احیاناً به زندان بیفتند شلاق بخورند (در چنین جوی صد البته که مجازات بالاتر مثل اعدام در انتظار آنها نیست، ما هم چنین چیزی را نمی‌خواهیم) کارها درست می‌شود و مردم ما دیگر شاهد چنین وقایع تأسف باری نخواهند بود. مسأله این نیست که گروه‌هایی بترسند و چشم‌زهر بگیرند این نکته‌ای است که باید به عنوان آخرین چاره به آن فکر کرد. فعلاً مسأله باید آشتی ملی، ترمیم زخم عمیق ایجاد شده و جلوگیری از تکرار حوادث مشابه در صدر برنامه‌ها قرار گیرد.

تهدید واقعی چیست؟

البته آنچه من می‌نویسم شاید از روی سادگی و حسن نیت باشد. ولی دردهای ملت ایران بی‌شمار هستند. در شرایطی که دشمنان تاریخی ما به اندیشه تکه‌تکه کردن این سرزمین و غصب منابع مالی و فرهنگی آن می‌باشند واقعاً باید اختلافات را کنار بگذارند و همه با هم به فکر یافتن راه حل مشکلات باشند. باید عامل اقتصاد ویران را که سرمنشأ این همه آشوب است اصلاح کرد باید انقلاب نوینی در جریان اقتصاد ملی - بانکداری - خانه‌سازی - ازدواج جوان‌ها و تحصیل دانشجویان ایجاد کرد. مسایل بسیار متنوعی جامعه ما را تهدید می‌کنند: بیکاری حتی در سطح فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه و از آن جمله پزشکان - پارتی‌بازی و اعمال نظر و نور چشم‌بازی از جمله این مسایل است. نیز مسایلی مثل عدم توجه به آموزش دانشجویان - اخراج گروه‌هایی به نام ویرانگر و

تهدید واقعی این نیست که بعضی‌ها از شیوه اجرای قوانین اسلام و یا احادیث منسوب به حضرت نبی «ص» برداشت دیگری دارند.

خرابکار یا افت تحصیل و هزار موضوع و مسئله دیگر. بعضی دانشگاه‌ها جوانانی را به خاطر کم آوردن مدل با دادن یک مدرک فوق دیپلم یا معادل آن، و گاه بدون هیچ مدرک عملاً اخراج کرده و راه تحصیل را برای آنها بسته‌اند. در این مورد چاره‌های متعدد وجود دارد. مثلاً دادن اجازه برای بازسازی تحصیلی خود و گرفتن امتحان مجدد از آنها در همان رشته‌ای که در آن به تحصیل اشتغال داشتند - اجازه تحصیل در یک درجه تحصیلی پایین‌تر و مفتوح بودن راه برای ادامه تحصیل - درمان درد دانشجویی که چه بوده است (بیماری روحی - بیماری اقتصادی - مشکل خانوادگی - احیاناً اعتیاد) درک مشکلات جوانان و حل آنها مهمترین فریضه‌ای است که به عنوان یک انسان مسلمان در برابر ما قرار دارد. حال خواه این جوانان در سنگر دانشگاه و دبیرستان و هنرستان باشند خواه در سنگر حوزه و سازمان‌های فرهنگی دیگر و در باشگاه‌های فوتبال و بسکتبال و امثال آن بازی کنند. برای حل این مسایل اول دست محبت و وداد ملی پیش بیاورید بعداً به ترمیم اقتصاد ویران همت گمارید. سازمان‌های مسکن‌سازی انبوه را درست کنید مؤسسات آموزشی فراوان و واقعاً غیرانتفاعی (نه اسماً غیرانتفاعی و در واقع از هر سازمان انتفاعی انتفاعی‌تر) البته باید مسئولین جمود پیشرفت و تحقیق و نیز نقار و فساد در هر سازمان و

مؤسسه‌ای را شناخت. آنها را ارشاد کرد و اگر اصلاح نشدند از روش‌های لازم دیگر بهره برد. دردهای ملت ایران بدون ترمیم اقتصاد ویران کشور و بدون تعمیم آزادی‌های مشروع برای ملت آن هم درمان نمی‌شود. بیایم تسویه حساب برای حفظ قدرت و نقشه کشیدن نابودی هم را کنار بگذاریم و به یاد آوریم در چه دنیایی و با چه دشمنانی زندگی می‌کنیم. به یاد آوریم در چه شرایط دشواری به سر می‌بریم. ازدواج جوان‌ها چقدر خرج دارد زایمان یک بچه آن هم با سزارین چقدر گران تمام می‌شود.

بی‌هویتی و بی‌آرامی و چه بسا اعتیاد و رفتن جوانان به سمت گروه‌های منحط اجتماعی مثل (رپ‌ها) و (متالیک‌ها) آینده جامعه ما را به شدت تهدید می‌کند. تهدید فقط فلان گروه که نام آزادی را هم یدک می‌کشد و یا فلان دسته که در استنباط از متون مذهبی با ما هماهنگی ندارد، نیست.

تهدید این نیست که بعضی از شیوه اجرای قوانین اسلام و یا احادیث منسوب به حضرت نبی «ص» برداشت دیگری دارند.

البته باید یک سلسله قوانین و یک سلسله مقررات در جامعه حاکم باشد، اما مقررات و قوانینی که به خواست مردم و منافع تاریخی ملت ایران احترام بگذارند و در جهت بالا بردن اعتبار مسلمین در دنیا وضع شده باشند.

انجام اعمال و کارهایی که افسار ملت را رودرروی هم قرار می‌دهد، نه فقط در دنیای خارج بلکه در دنیای مردم خود ما به وحشیگری و ارتجاع تعبیر می‌شود. این روش‌ها هرگز گره‌گشای این همه مشکلات نبوده و نیست. هشیار باشیم، دردها را تسکین بدهیم، اختلافات را با حسن نیت برطرف کنیم و ترفندهای دشمن را برای ناامنی و انهدام فرهنگ و اقتصاد و از بین بردن وحدت کشور عقیم سازیم.

چشمان تاریخ باز است و با دقت ما را می‌نگرد. هشیار باشیم! فقط به فکر خنک شدن دل خود و نابودی قشری که جلوی ما جبهه گرفته و به هر حال اعضای آن هم فرزند میهن ما هستند، نباشیم.

با عشق و محبت - علاقه به آزادی و گام نهادن در راه پاک کردگار می‌توان همه مشکلات را حل کرد. باور کنید!